

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدين بوم وير زنده يك تن مباد
همه سر به سر تن به كشتن دهيم
از آن به كه کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

قعر ظلمت

شب که در سودای زلفش تا سحر افتاده ام
دور گشتم از حیریم پاک تو ای آشنا
در میان خرمی از مشک تر افتاده ام
در دیوار ناشناسان در بدر افتاده ام
در نگها دارد دکـان بی متاع زندگی
آب جستم در سراب از پا بسر افتاده ام
گر تن آسوده میخواهی، دورویی پیشه کن
راست گفتم هر کجا، بر درد سر افتاده ام
مردمان سازند با لیل و نهار روزگار
در میان همنشینان، بی هنر افتاده ام
او بخواب خوش غنوده همچو گل در شاخ گل
من به بستر تا سحر با چشم تر افتاده ام
آب حیوان است ساقی جام می اندر بهار
در بهاران خوش بود چون بیخبر افتاده ام

شام تاریک است تیمور هر طرف تا بنگری

در میان قعر ظلمت کور و کر افتاده ام

(المان - ۱۴ اکتوبر ۲۰۱۱)